

۵۱۲

۱
۱
۸
۸
۳
۵
۶
۸
۷
۶
۱
۱۱
۸۱
۸۱
۳۱
۵۱
۵۱
۷۱
۶۱
۸
۱۸
۸۸
۸۸
۳۸
۵۸
۶۸
۸۸
۷۸

۱۳۸۰

۴۴۴۹

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: مجموعه از چند زره قرآن و ادعیه

مؤلف: _____

موضوع: _____

شماره ثبت کتاب: ۴۴۵۷۹

شماره اختصاصی: ۲۱۵ (از کتب خطی) (امدادی)

تیمار سرانجام: مجید نوری (ناصر الدوله) (کتابخانه مجلس شورای ملی)

۵۳۴۳

کتابخانه
مجلس شورای
املاسی

خطی اهدائی

۲۱۵

ن ۱۲

۴۴۹۹

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب مجله از چند زمره قرآن و ادعیه

مؤلف

موضوع

شماره اختصاصی ۲۱۵ (از کتب خطی) (لغوی)

تیمار سر لشکر مجید نیرو (ناصر الدوله) و کتابخانه مجلس شورای ملی

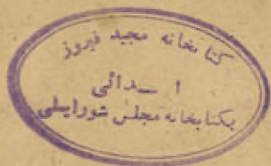
شماره ثبت کتاب ۴۴۵۷۹

۵۳۴۳

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی اهدائی

۲۱۵



۲۴۱۵

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

مُسْتَفِيمٍ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنْذِرَ آبَاؤُهُمْ

فَهُمْ غَافِلُونَ لَفَدْخُوا الْقَوْلَ

عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

إِنَّا جَعَلْنَا فِي آعْنَافِهِمْ أَغْلًا

فَهِيَ إِلَى الْأَذْنَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ

بسم الله الرحمن الرحيم



وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا

وگذاشتیم ما بین ایشان سد

وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَا

و از پشت ایشان سد گذاشتیم و پوشیدیم

فَهُمْ لَا يَبْصُرُونَ وَسَاءَ

بر ایشان و بد است که ایشان را

عَلَيْهِمْ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ

بر ایشان آیا ایشان را از عذاب آگاه داشتی یا نه

لَا يُؤْمِنُونَ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ

ایمان ندارد تنها از آن کس که ایمان دارد

اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ

آن کس که از یاد حق می ترسد و از خدا می ترسد

بِالْغَيْبِ فَلْيَشْرَهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ

در غیب پس بخواهد از بخشش و پاداشی بزرگوار

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا

ما هستیم که زنده میکنیم و می نویسیم آنچه

قَدَّمُوا وَأَنَا نَارُهُمْ وَكُلَّ

آنچه پیش از خود نهادند و من آتش ایشان و هر

شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ

چیز را بشماریم در کتابی روشن

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقُبُورِ

و برای ایشان بزن مثال راویان قبر

إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ إِذْ أَرْسَلْنَا

چون آمدند ایشان را پس فرستادیم

إِلَيْهِمْ أَشِيرُ فَبُكَدُّ بُوهُمَا فَعَزُّنَا

برای ایشان استیصال است و بگویند که ایشان را پس از آنکه از ایشان جدا شدیم

يَسْأَلُ فَقَالَ إِنَّا إِلَهُكُم مُّرْسَلُونَ

پرسیدند پس گفتند ما پرستیدگان برای شما هستیم

فَالَوْ مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا

گفتند پس شما چه چیز هستید مانند ما و اگر ما

أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ رَبِّ شَيْءٍ أَنْتُمْ لَا

نفرستاد خداوند از پروردگار خود چیزی پس شما را

تَكْذِبُونَ فَاَلَوْ أَرْبُّنَا

دروغ می گویید پس اگر ما پروردگار شما

يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ

دانا است که ما را به سوی شما فرستاد

دانا

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

و بر ما نیست مگر رسانیدن حق

فَالَوْ أَنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَكُنَّا لَمَرُ

گفتند پس اگر ما را تطهیر کنید ما را گناهانی که از شما

تَنْهَوُا الرَّجْمَ عَنْكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ

از رجیم شدن شما باز دارند و ایستادگی شما را

مِنْ عَذَابِ آلِهِمْ فَاَلَوْ اطَّاعْتُمْ

از عذاب ایشان را اطاعت کنید پس اگر شما را

مَعَكُمْ أَتَرُدُّونَ قُلُوبَكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ

با شما است که بازگردانید دلها را بل شما را

مُسْرِفُونَ وَجَاءَ مُرَاقِبًا

بسیار از شما و آمد مراقب

مراقب

الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ

شهر مردی تندرونده ای گروه

اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا مَن لَّا

پیشروان را پیروی کنید پیروی کنید از آن که

يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مَهْتَدُونَ

پرسشجو از شما می پرسند راه را می بیند

وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدَ الَّذِي فَطَرَنِي

و چرا من نی پرستیم آنی که مرا آفرید

وَالِيهِ تَرْجَعُونَ ءَأَتَّخِذُ مِنْ

و به سوی او باز می گردانید پس چرا می گیرم از

دُونِهِ إِلَهَةً إِنَّ بُرْدِنَ الرَّحْمَنِ يُضَرُّ

خود را خدایان را که اگر خدا را در دهنه بیدی

لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا

نمی تواند برای من شفاعت ایشان چیزی را و نه

يُنْقِذُونِ إِنِّي إِذًا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

نجات دهند مرا ایستادم پس من در گمراهی آشکارا

إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ قِيلَ

ایستادم پس من را پرستیدم پس بشنویید گفتند

ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي

ورود کن در بهشت گفت ای کاش من و قوم من

يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي

می دانستند که مرا بخشد و چه کرد مرا

مِّنَ الْمُكْرَمِينَ وَمَا أَنْزَلْنَا

از مجیدان را و نه فرستادیم

عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِي مِنْ جُنْدٍ مِنْ

بر قوم او از پس او از لشکری از

السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ إِنْ

آسمان را نازل می نمودیم ما را از آسمان

كَانَتْ الْأَصْحَةُ وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ

باشه آن که یک باشد پس گنجایش

خَامِدُونَ يَاحْزَرَةَ عَلَى الْعِبَادِ

مست باشند در حیره بر بنده

مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا

آنچه آید ایشان را از پیغمبران که بعد ایشان

بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ أَلَمْ يَرَوْا كَمَا أَهْلَكْنَا

بر او می خندیدند که ندانند که آنرا که کوه را کوه

فَرِيقًا

قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمُ الْبَهِيمُ لَا يَحْجُونَ

پیش از ایشان از قرون آنکه ایشان را حیوانی ندانند

وَأَرْبَ كُلِّ لَمَّا جُمِعَ لَدُنَّا مُحْضَرُونَ

و گرد آمدند از هر گروهی که گرد آمدند

وَأَيُّهُمْ الْأَرْضُ أَلَيْتَهُ أَحِبَّيْنَاهَا

و از ایشان زمین را که ما را نزدیکتر داشت

وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَنَّهُ يَأْكُلُونَ

و از ایشان زمین را که ما را نزدیکتر داشت

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ

و گرد آمدند از هر گروهی که گرد آمدند

وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ لِيَأْكُلُوا مِنْ

و گرد آمدند از هر گروهی که گرد آمدند

ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ

بهره آن و آنچه که بدست ایشان آید و دستهای ایشان را بشکر کنند

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ

سبحان است آنکه آفرید زوجها را

كُلًّا مِمَّا تَنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ

همه آنرا که از زمین برآورد

أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ وَآيَةٌ

نشان از ایشان است که از آنکه ایشان را نمیدانند و آیه

لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَاذَاهُمْ

برای ایشان است که ما از روزگار بکشیم و روزگار را از ایشان بکشیم

مُظْلِمُونَ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ

در تاریکی باشند و علامت از آنکه آفتاب میرود برای قرارگاه

لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

برای ایشان است آنکه تقدیر از آنکه قادر و دانای

وَالْقَمَرُ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ غَادَا

و ماه را تقدیر کردیم تا آنکه غروب کرد و

الْعُرْجُونُ الْقَدِيمِ لَا الشَّمْسُ تَنْبَغِ

سرخش خورشید کهنسال نه آفتاب سوزد

لَهَا أَنْ تَدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ

برای ایشان است که برسد در گذر ماه را و روز

سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

سابقتر از روزگار و هر یک در گیتی میگردانند

وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ

و علامت از ایشان است که ما بباریدیم در گیتی فرزندان ایشان را

الْمَشْحُونِ وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا

برآلوده شده در باغ پرده ها از درختان در زمین او آنچه

يَرْكَبُونَ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا

سوار برآوردند مگر از آنکه غرق کنیم ایشان را پس

صَرِيحٌ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَدُونَ إِلَّا

فراویس باشد ایشان را و ایشان نه را بدید باین کار کما

رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ وَإِذَا

رحمتی و متاعی باشد و متاعی و متاعی تا هرگاه چون

قَبْلَ لَمْ أَتَوْا بِبَنٍ آيِدٍ بِكُمْ

که پیش از آنکه باین آید بکم در شتاب

وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

و آنچه در پس شماست تا شاید شما را رحمت کند خدا

ماتم

وَمَا نَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا

و آنچه آید بآنها از آیت های پروردگار آنرا

كَأَنوَاعَهُمَا مَعْرِضِينَ وَإِذَا

بعده ایشان را نشان می دهند و چون

قَبْلَ لَمْ أَتَوْا بِمَارْزُقْكُمْ اللَّهُ قَالَ

که پیش از آنکه باین آید بکم خدا گفت

الَّذِينَ كَفَرُوا وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْطِعُمُ

آن که کفر کردند و آن که ایمان آوردند

مَنْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ أَطَعَنَا أَنْتُمْ إِلَّا

کسی که اگر بخواهد خدا اطاعت می کند شما را

فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ وَيَقُولُونَ مَتَى

در گمراهی آشکارا و میگویند کی

هَذَا الْوَعْدُ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

این وعده خداوند است اگر راست باشید

مَا يَنْظُرُونَ اِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ

آنچه می بینند اینست که یک آهسته بوی که در یک لحظه

وَهُمْ يَخِصِّمُونَ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ قِيَامًا

و حال اگر است نه صورت کنند با همه یکو این نماند

وَلَا اِلَى اَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ وَنُفِخَ

در تافته بری این نماند بر جمع کنند و با این

فِي الصُّورِ فَاِذَا هُمْ مِنَ الْاَجْدَاثِ اِلَى

در هر یک بر این است که باری خدای که در هر یک

رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ فَاَلُوْا اَبَاوَابَنَا مِنْ بَعَثْنَا

در هر یک از این است که باری که در هر یک

مِنْ مَرَقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ

از هر یک این است که باری که در هر یک

الرُّسُلُونَ اِنْ كُنْتُمْ اِلَّا صَيْحَةً

که باری که در هر یک این است که باری که

وَاحِدَةً فَاِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ

آورد پس چون این است که باری که

فَالْيَوْمَ لَا تَظْلُمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تَجْرُونَ

پس امروز هر یک که در هر یک این است که

اِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ اِنَّ اَصْحَابَ

که آنچه باری که در هر یک این است که

الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ

در هر یک این است که باری که در هر یک

هَمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرْشِ

ایشان از سایه ایشان در سایه ایشان در کفایت ایشان

مُتَكِبُونَ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهِةٌ وَلَهُمْ

کبر است که انداخته اند در آنجا و در آنجا

مَا يَدْعُونَ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ حَمِيمٍ

آنچه میخوانند سلامی است از زبان پر مهری

وَأَمَّا زُوالُ الْيَوْمِ أَيُّهَا الْمَجْرُمُونَ أَلَمْ

و اما روزی که در آن روز که در آن روز

أَعْهَدَ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا

عهد کردم به شما ای فرزندان آدم را که

الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

شیطان را که برای شما دشمنی آشکار است

وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

و اما مرا بپرستید این است راهی که مستقیم است

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ

و اما از میان شما کوهی بسیار گمراه کرد

تَكُونُوا تَعْلَمُونَ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي

اینست جهنم است که شما را

كُنْتُمْ تُوعَدُونَ إصْلَوْهَا الْيَوْمَ

که شما را وعده داده بودم سوخته آنرا در این روز

بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ الْيَوْمَ نَخِمْ عَلَيْكُمْ

به خاطر آنکه شما کفر می کردید در این روز

أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ

دهانهای آنها را و ما را سخن میگویند و شهادت

أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ وَلَوْ نَشَاءُ

پایهای شما را بر آنچه بدست می آورده اند و اگر ما بخواهیم

لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ

در آتش می زدیم بر چشمتان و پیش از آنکه بدان راه

فَإِنِّي بِبَصِيرَةٍ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ

پس من در بینش هستم و اگر ما بخواهیم گردنهای شما را

عَلَى مَعِكَ كَانْتُمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا

بر جایگاه ایشان پس نتوانستند بگریختن

وَلَا يَرْجِعُونَ وَمَنْ نَعْمَرُهُ نُنَكِّسْهُ فِي

وادی باز برگردانیم و هر کس را بخواهیم در آن

الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ وَمَا عَلَّمْنَاهُ

آفرینش را که شعر می خواند ایشان را و ما هر چه را

الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ

شعر و آنچه بدو می رسد که اگر او را بخواهیم و کتاب

مُبِينٌ لِّبُنْدٍ رَّبِّكَ كَانَ حَيًّا وَبَحَقٌّ

روشنی برای بنده پروردگار تو که زنده و راست

الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا

گفتیم بر ایشان که کافران را می بینید که در آتش

خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا

آفرینیم از آنچه در دستهای ما می سازند و ایشان را

مَالِكُونَ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا

مالک و رام کردیم آنها را برای ایشان پس از آن

رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ وَلَهُمْ فِيهَا

اسب و گاو و ایشان از آن می خورند و در آنجا

مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ

منافع و مشارب ایشان میوزد و آب چکه از شکوفای آسمان میبارد

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ

و از دیگران بخودند و از خداوند است و بگویند

يُنْصَرُونَ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ

نمی توانند و قادرند بر نصرت ایشان و ایشان

لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ فَلَا يَخْزِيكَ قَوْلُهُمْ

ایشان لشکری از حاضر شدهگان پس با قلوب دروغ گفتار ایشان

إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

ما را می دانیم آنچه پنهان دارند و آنچه آشکارا میگویند

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا مِنْ نُطْفَةٍ

آیا نمی بینند که ما را از قطره

فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ وَضَرَبَ لَنَا

پس چون بود دشمنی آشکار و زد برای ما

مَثَلًا وَلَيْسَ خَلْقُهُ فَالٍ مَنْ يَحْيِي الْعِظَامَ

مثالی و نیست خلقش فانی که زنده سازد استخوانها

وَهُنَّ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا

و هیند زنده ایان بگو که او آفرید ایشان را

أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ

اول مرتبه و او است با علم بر هر خلقی

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ

آنکه ساخت برای شما از درخت سبز

نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ أَوَلَيْسَ

آتش پس چو از آن آتش میزدید و روشن می کردید آیا نیست

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ

کافر بسیار بد است که زمین و آسمان را خلق کند

عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَى وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ

بر آنکه بآفریند مانند آنها بگو اوست خالق بسیار داننده

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ

فقط امر او است زمانی که بگوید هر چیزی که بخواهد میسر می آید

كُنْ فَيَكُونُ فَبُحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ

بهره های بسیار از قدرت و جلال او پس بگو خدایا آنچه بخواهی میسر می آید

مَلَكَوْتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

مملکت همه چیزها و به سوی او بازگردانیده می شوید

أَيُّدِ عَالِ الْجَهَنَّمَ دَفْعَ قَمَرٍ غَيْرِ صَيْدٍ يَأْكُلُهُ النَّاسُ

بسیار محبوب است که در جهنم آید و در آنجا ماه را دفع کند و ماهی را که مردم می خورند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَفَاضَ الْأَرْوَاحَ مِنْ

ستایش مخصوص خداوند است که روحها را از

الْقَدَمِ وَأَخْرَجَ الْوُجُودَ مِنَ الْعَدَمِ

پایانگی و برین در آورده و وجودها را از نعدم

وَالصَّلَوةُ وَالسَّلَامُ عَلَى السَّيِّدِ الْمَوْجِدِ

و درود و سلام بر خدایا بر خدای

الْمُحْتَرَمِ اللَّهُ صَمَدِي مِنْ عِنْدِكَ مَدَدٌ

در محترم گشته ای خداوند پادشاه من از نزد تو مدد

وَعَلَيْكَ مُعْتَمِدِي نَارِ عِلْبًا مَظْهَرٌ

و بر تو استوارم و در آتش عذاب من نور و مظهر

الْجَائِبُ تَحْدُ عَوْنًا لَكَ فِي النَّوَابِ

مجاہدات است بسیار و یاد مریدان

كُلُّهُمْ وَغَمٌّ يَنْجَلِي بَوَالَيْكَ

۱۰۸
در اعزّه و عسکریه نایب فخری کوهان حسن دین حق

يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا أَبَا الْعَيْثِ اغْنِنِي

یا ہے یا ہے یا ہے صدقہ اللہ علیہ ای برادرستان بقرہ دم کس

يَا عَلِيُّ أَدْرِكْنِي وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

یاعنی این ابطاب درک کن در دوزخ است و خدا در خباب پیغمبر و فرزندان

أَجْمَعِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

کے جمیع اہل خانہ اور دیگر سہولتیں حاصل ہوں۔

وكان في عامي السلام اذ اغرقت محمد بن عبد الله

دست از دقایق استغفرت عیونم چون عارض من شده اند و همچنین نازش بر سر سید باد و عمارت منسوب

بسم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابتدا بگویم بنام خداوند روزگار دهنده و رحمت کننده

يَا مَنْ نُحِلُّ بِهِ عُقْدُ الْكَارِ وَيُمْسِكُ

ای آنکه کشفه مغفله جان کمرپسای زهشیا

يُفْشَاهُ حَدَّ الشَّيْءِ دَائِدٍ وَبِأَمْنٍ بَلَقِيسُ

ساکن مرغه غریب نام او د جری ولسه دی غریب

مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرْجِ ذَلِكُ

روان به چهره من اریک سبزی بد

لَقَدْ رَتِكَ الصَّعَابُ وَتَسَبَّتْ بِطِفْلِكَ

در این کتاب

الْأَسْبَابُ وَجَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَا

سید

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

وَمَضَتْ عَلَى ارَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ فِي مَشِيئَتِكَ

درمان شده بر وفق خواستش در امرای پس بر هر کس اراده در

دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمَرَةٌ وَبَارَادَتِكَ دُونَ

بدون فرمانش در فرمان بردارند و بگوید خواستش در بدون

فَهَيْكَ مُنْجَرَةٌ أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمَهْمَاتِ وَأَنْتَ

فرمانش در منجرت در آن خواهش و بارگاههای سخت در دنیا

الْمَفْرَعُ فِي الْمَلَمَاتِ لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا

پشتگاه در دنیا و غایت که از آن دفع منصرف از دنیا که در دنیا

دَفَعَتْ وَلَا يَنْكَشِفُ إِلَّا مَا كَشَفَتْ

دفع کنی در دفع منصرف از آنست که در دفع کنی در

وَقَدْ نَزَلَ بِي بِأَرْبَابٍ مَا قَدْتُكَ كَأَدْنَى

بیتحق و فضا که من بر اربابان در سبک در نزد من در

ثَقُلُهُ وَالْمَرْبَى مَا قَدَّ بِهِ ظَنِّي حُمْلَهُ وَتَقَدَّرَ

که خا در زدن شده است بجز من تحقیق که آن حکایت را که من آن و بصرت حق

أُورِدَتْهُ عَلَىَّ وَبِسُلْطَانِكَ وَجْهَتُهُ إِلَيَّ

در دست خود آنرا بر من بیاوردش به حق در وجه کونیه و ادا بر من

فَلَا مُصْدِرَ لِي أَوْ رَدَّتْ وَلَا صَارِفَ لِي

پس نیست بگذاشتن و برگرداندن که در دست خود در دین که بگذاشته و برگرداند

وَجْهَتِ وَلَا فَاتِحَ لِي أَعْلَقْتُ وَلَا مُغْلِقَ لِي

در وجه کنی در دین کن بده مانع را که در دست دین که بگذاشته و مانع را که

فَتَحْتُ وَلَا مُبَسِّرَ لِي أَعْسَرْتُ وَلَا نَاصِرَ لِي

در گشود دین است کن بگذاشته و مانع را که در دست دین یا در دین یا در دین که

خَذَلْتُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْحْ

در خا در دین که پس از محمد و آل او در فصلی در دین که

لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرْجِ بِطَوْلِكَ وَاكْسِرْ عَنِّي

از آن دروازه که در بخت و فرج است بطولت و شکستن

سُلْطَانَ الْهَيْمِ بِحَوْلِكَ وَأَنْلِنِي حُسْنَ النَّظَرِ

سلطان الهی را با قدرت خود و آسان کن مرا در حسن بینش

فِيهَا شَيْءٌ سَكُوتٌ وَأَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ

در آنجا چیزی سکوت و بچشان مرا شیرینی صنایع

فِيهَا سَأَلْتُ وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

در آنجا طلب کردم و بده مرا رحمتی از نزد خود

وَفَرَجًا هَنِيئًا وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ فَرْجًا

و فرجی آسایش بخش و بگردان برای من از نزد خود فرجی

وَحَيًّا وَلَا تَشْغَلْنِي بِالْإِقْتِمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ

و زنده باش و مشغول نگردان مرا بپایبندگی از تعهد

و ازنگر

فُرُوضِكَ وَاسْتَعَالَ سُتَيْكَ فَقَدْ صَنَقْتُ

درین بابی را که

از حاجت خود و استعاضه نمودن به سستی تو این چنین طاعت نمودم

لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ ذُرْعًا وَامْتَلَأْتُ بِحُلِّ

آنچه نازل شد بر من ای رب در درختی و پر نمودم بپوشش

مَا حَدَّثَ عَلَيَّ قَمًّا وَأَنْتَ الْفَارِدُ عَلَى كَشْفِ

آنچه با من گفت و تو یار من در افشای پوشش

مَا مُنِيتُ بِهِ وَدَفَعْ مَا وَقَعْتُ فِيهِ فَأَفْعَلْ لِي ذَلِكَ

آنچه منیتم به و دفع نمود آنچه افتاد بر من پس کن برای من آنکه

وَأِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

و اگر چه نپسندم استوجب آن از جانب تو ای صاحب عرش بزرگ

وَكَيْفَ كَانَ مِنْ عِلَالِي فِي الْأَيَّامِ السَّبْعِيَّةِ

و چگونه بود از عیال من در ایام هفت روزه

وَكَا مِنْ دُعَاءِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ الْاِحْسَادِ

دعوت از وی استغفرت و او را در وقت روز جمعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم نام خداوند رحیم و رحیم

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو إِلَّا فَضْلَهُ وَلَا

بسم نام خداوند آنکه من را جز فضل او

أَخْشَى إِلَّا عَدْلَهُ وَلَا أَعْتَمِدُ إِلَّا قَوْلَهُ وَلَا

ترسم من را جز عدالت او و تکیه و اعتماد من را جز کلام او

أُمْسِكُ إِلَّا بِحَبْلِهِ بِكَ اسْتَجِيرُ يَا ذَا الْعَفْوِ

چنگ بستم من را جز با حبل تو ای سرافراز بخشش

وَالرِّضْوَانِ مِنَ الظُّلُمِ وَالْعُدْوَانِ وَمِنْ

و از رضوان من از تاریکی و دشمنی و از

غَيْرِ الزَّمَانِ وَتَوَاتُرِ الْأَحْوَانِ وَمِنْ انْقِضَاءِ

غیر از زمان و تواتر از برادران و از انقضای

الْمُدَّةِ قَبْلَ التَّاقِبِ وَالْعُدَّةِ وَإِيَّاكَ

مدت محاسبه پیش از بازگشت و مدتی و ای تو

أَسْتَرْشِدُ لِمَا فِيهِ الصَّلَاحُ وَالْإِصْلَاحُ

عز من راهنمایی کنم به هر چه در او است اصلاح و اصلاح

وَبِكَ اسْتَعِينُ فَمَا يَقْتَرِنُ بِهِ النَّجَاحُ

و با تو درازم به هر چه من را به تو پیوسته است نجات

وَالْإِنْجَاحُ وَإِيَّاكَ أَرْغَبُ فِي لُبِّ السَّعَافَةِ

و از نجات و ای تو را بیشترین در خواست من در دلت

وَتَمَامِهَا وَشُمُولِ السَّلَامَةِ وَدَوَامِهَا

و تمام شدن آن و در بر گرفتن سلامت و استمرار آن

وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ

رب، یهوم بر این دعا از شر شیاطین منور

وَأَحْتَرِزُ بِسُلْطَانِكَ مِنْ جَوْرِ السَّلَاطِينِ

دعا از شیطان من است بهت بهت از جوار سلطان

فَقَبَّلْ مَا كَانَ مِنْ صَلَوتِي وَصَوَائِي

پس بپذیر آنچه بود از نماز کرده من صدای من

وَأَجْعَلْ غَدِي وَمَا بَعْدَهُ أَفْضَلَ مِنْ بَالِغِي

و بکنان بهرگاه فردا را بجز بدست بهترین رسانهای من

وَيَوْمِي وَأَعِزَّنِي فِي عَيْشِ بَرِّي وَقَوْمِي وَ

و درگاه من و در کفایت بهرگاه من و در کفایت من

أَحْفَظُنِي فِي يَقْظَتِي وَتَوْمُنِي فَأَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ

که در خواب و در وقت بیداری و در وقت بیداری و در وقت بیداری

حَافِظًا وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي

که در نگاه تو ای خداوند مهربانترین مهربانان ای خداوند مهربانترین

أَبْرَأُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِي هَذَا وَمَا بَعْدَهُ مِنْ

پس من به تو در این روز و در این روز و در این روز

الْأَحَادِيدِ مِنَ الشِّرْكِ وَالْأَلْحَادِ وَأُخْلِصُ

بجانبها از شرک و از اهلک و از اهلک و از اهلک

لَكَ دُعَائِي تَعَرُّضًا لِلْإِجَابَةِ وَأُقِيمُ عَلَيْكَ

ای خداوند دعا را به تو عرض می‌کنم برای پاسخ و ای خداوند دعا را به تو عرض می‌کنم

رَجَاءً لِلْإِثَابَةِ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ خَلِيفِكَ

و بکنان بهرگاه بر محمد و بر محمد و بر محمد

الدَّاعِي إِلَى حَقِّكَ وَأَعِزَّنِي بِغَيْرِكَ الَّذِي

که دعا را به تو عرض می‌کنم و دعا را به تو عرض می‌کنم و دعا را به تو عرض می‌کنم

كُلُّ عَظِيمٍ لِعَظَمَتِهِ فَلَا تُحَدِّثُوا تَرَا

در بزرگان بسیار بزرگوار است پس از بزرگوارتر از او

مُسْتَقًا وَمَتَوَالِيًا مُسْتَوْثِقًا وَصَلَاةُ عَلِيٍّ

بیبی علی و در حق او حق است و صلوات علی

رَسُولِهِ أَبَدًا وَسَلَامُهُ دَائِمًا سَرْمَدًا اللَّهُمَّ

خداوند من و صلوات او را همیشه و در همه جا

اجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِي هَذَا صَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ

بگردد صبح روز مرا درست باشد و وسط روز مرا

فَلَاحًا وَآخِرَهُ نَجَاحًا وَاعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ أَوَّلُهُ

برگردد و آخر روز مرا نجات باشد و پناه می برم به تو از روزی که

فَرَعٌ وَأَوْسَطُهُ جَزَعٌ وَآخِرُهُ وَجَعٌ اللَّهُمَّ

فرج است و وسط روز مرا جزع است و آخر روز مرا وجع است خداوند من

خداوند من

إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ نَذْرٍ نَذَرْتُهُ وَ

بسیار گفتم من استغفار کنم از تو برای هر نذری که نذر کردم

كُلِّ وَعْدٍ وَعَدْتُهُ وَكُلِّ عَهْدٍ

بسیار گفتم من وعده کردم و هر عهدی که

عَاهَدْتُهُ ثُمَّ لَمْ أَفِ بِهِ وَأَسْأَلُكَ فِي مَظَالِمِ

عهد کردم من و بعد از آن که وفا نکردم به آن و می خواهم از تو در مظالم

عِبَادِكَ عِنْدِي فَأَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِكَ

بندگان تو نزد من هر یک از بنده های تو را

أَوْ أَمَةٍ مِنْ أَمَائِكَ كَأَنَّكَ لَهْ قَبْلِي مَظْلُومٌ

یا هر یک از امیران تو را گویی که من پیش از تو مظلوم

ظَلَمْتُهَا آيَاهُ فِي نَفْسِهِ وَفِي عَرَضِهِ أَوْ فِي مَالِهِ

که او را ظلم کردم در حق او در نفس او در عرض او یا در مال او

أَوْ فِي أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ أَوْ غَيْبَةً اغْتَبَتْهُ بِهَا

یا در باغ اهل بیت او در نزد زنان او یا غیبی که چیت کند و با او

أَوْ تَحَامُلُ عَلَيْهِ بِمَبْلٍ أَوْ هَوًى أَوْ نَفَقَةٍ أَوْ

یا با کفایت بر نفس او انداختن ببل و هوا و سرکشی و باطل

حِمِيَّةٍ أَوْ رِبَاءٍ أَوْ عَصِيَّةٍ غَائِبًا كَانُ أَوْ

حسبی یا ربانی یا دشمنی که غایب باشد یا

شَاهِدًا أَوْ حَيًّا كَانَ أَوْ مَيِّتًا فَقَصُرَتْ

حاضر باشد و غایب باشد آن شخص یا مرده باشد پس کوتاه

يَدَيَّ وَضَاقَ عِرِّي بِهَا إِلَيْهِ وَالتَّحَلُّ مِنْهُ

دست من تنگ شد در پیش من از او که آن بر سر او در گذشتن از او

فَاسْأَلُكَ بِأَمْرِ يَمْلِكُ الْحَاجَاتِ وَهِيَ تَحْبِبُهُ

پس مرا بگو از آن امر که حاجات را برآورد و او را دوست دارد

میشود

لِسَيِّئَةٍ وَمُسْرَعَةً إِلَىٰ أَرَادَتْهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ

از راه بد و عجله به آنجا که او را میخواست که نماز کند

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُرْضِيَهُ عَنْهُ بِمَا شِئْتَ

که در نزد محمد و آل محمد و او را خوشتر از آنکه از او بداند

وَهَبْ لِي مِنْ عِنْدِكَ رَحْمَةً أَنَّهُ لَا تَنْفُصُكَ

بخش از خودت ده مرا رحمتی که او را از تو دور نکند

الْمَغْفِرَةُ وَلَا تَضُرُّكَ الْمَوْهَبَةُ يَا أَرْحَمَ

بخشنده را و زیاده را که زیان نرساند ای دانا و مهربانترین

الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ أُولِنِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ

ای بخشندهگان یا خداوند مهربان را در هر روز

نِعْمَتٍ بِرَبِّكَ ثَنِّينِ سَعَادَةٍ فِي أَوَّلِهِ بِطَاعَتِكَ وَنِعْمَةٍ

در حق تو در حق تو بگو و در حق تو بگو و در حق تو بگو

و نفعی در حق تو

اِخْرِهِ بِمَغْفِرَتِكَ يَا مَنْ هُوَ الْاَلَهُ وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ سِوَاهُ

اخر او را بپوشش خود ای آنکه دوست خدايي نيست و جز خدايي را نمي بخشد

دُعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْاَشْهُارِ الثَّلَاثَةِ

دعاي آن بزرگوار بر او باد در ماه رجب در روز شنبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ حَقُّهُ كَمَا يَسْتَحِقُّهُ

ستایش و ستایش بر خداست و ستایش بر خداست همانگونه که سزاوار است

حَمْدًا كَثِيرًا وَاَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ نَفْسِي

ستایش بسیار و پناه بگویم به بدی از شر نفس خود

النَّفْسُ لَأَمَانَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي وَ

نفس مرا ایمن است از بدی مگر آنچه رحمت پروردگار من را

بسم الله الرحمن الرحيم

اَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الَّذِي يَرِيدُنِي

پناه بگویم به بدی از شر شیطان که می خواهد مرا

ذَنْبًا إِلَى ذَنْبِي وَآخِرُ زُبْنِي مِنْ كُلِّ جَانٍ

گناه به گناه من و آخر دهان من از هر جنی

فَاجِرٍ وَسُلْطَانٍ جَائِرٍ وَعَدُوِّ قَاهِرٍ اَللَّهُمَّ

فاجر و فاجر و پادشاه فاجر و دشمن قهار ای خداوند

اجْعَلْنِي مِنْ جُنْدِكَ فَإِنَّ جُنْدَكَ هُمْ

بگردان من گردان تو را بگردان تو را ای خداوند

الْغَالِبُونَ وَاجْعَلْنِي مِنْ حَرْبِكَ فَإِنَّ حَرْبَكَ

برنده کننده را بگردان تو را بگردان تو را ای خداوند

هُمْ الْمُفْلِحُونَ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيَاءِكَ فَإِنَّ

اینها را برنده کننده را بگردان تو را بگردان تو را ای خداوند

أُولَئِكَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

حسان از بیم خورشید برایشان ثابت اند از درد خورگان

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي فَإِنَّهُ عِصْمَةُ أَمْرِي

خدایا به هم رسان که دین من را پس هر چه که در دین من است

وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي فَإِنَّهَا دَارُ مَقَرِّي وَآلِهَائِي

و به هم رسان که آخرت من را پس هر چه که در آخرت من است و دینی من است

مِنْ مُجَاوَرَةِ اللَّهِ تَامِ مَقَرِّي وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ

از هم که زندگی من است و هر چه که در دنیا است

زِبَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَالْوَفَاةَ رَاحَةً لِي

زیادتی از هر چه که در هر خیری است و وفات را راحتی من است

مِنْ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ

از هر چه که در هر شیئی است خدایا بر محمد و آل محمد صلوات

النبیین

النَّبِيِّينَ وَتَمَامَ عِدَّةِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَيْهِ السَّلَامُ

پیشانیان و تمام عدت مرسلان و بر ایشان سلام

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَأَصْحَابِهِ الْمُتَجَبِّينَ وَ

کرامت پاکیزه و پاکیزه صاحبان و صاحبان کرامت

هَبْ لِي فِي الثُّلَاثَةِ ثَلَاثًا لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا

بخش ایستادن در هر سه روز سه چیز که در هر روز من است

الْأَغْفِرَتُهُ وَلَا غَمًّا لَا أَذْهَبَتْهُ وَلَا عُدًّا

که او را با غم از من دور کند و غم را که از من دور کند و دشمنی را

الْأَدْفَعَتْهُ بِبِسْمِ اللَّهِ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ وَبِسْمِ اللَّهِ

که او را دفع کند با بسم الله که بهترین نامهاست و بسم الله

رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ اسْتَدْفِعْ كُلَّ

از هر چه که در زمین و آسمان است دفع کن هر

مَكْرُوهٍ أَوَّلُهُ سَخَطُهُ وَاسْتَجَابَ كُلَّ مَجْبُورٍ

نهانی که استجابتی آن غنی در باشد و هر که بگوید که در نیاید و

أَوَّلُهُ رِضَاهُ فَأَخْبِمْنِي مِنْكَ يَا غَفَّارُ يَا وَلِيَّ الْحَرَمِ

ابتدای آن خوشنودی در باشد پس من کن روا از خود با غفرش ای صاحب حرم

وَمِنْ دُرِّ عَائِدَةٍ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فِي يَوْمِ فَرَسٍ

در روزهای آنکه است بر باد و در عوض و درخت خود در باد و روزی که بشیند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم نام خداوندی که رحیم و رحیم کننده

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ

پسندید و آنکه است که کفایت بپوشش و خواب

سُبَّانًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا لَكَ الْحَمْدُ أَنْ

آرامگاه و در کفایت و در آنکه است در روز است و شب است

بسم

بَعَثْتَنِي مِنْ مَرْقَدِي وَكَوَشْتُ جَعَلْتَهُ

بر آنکه است از خواب و در آنکه است که بپوشید و

سَرْمَدًا أَحْمَدًا دَائِمًا لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا وَلَا يَحْصِي لَهُ

جامه در آنکه است که در آنکه است که در آنکه است که در آنکه است که در آنکه است که

الْخَلَائِقُ عَدَدًا اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَرْخَلْتَ

مخلوقات را در آنکه است که در آنکه است که در آنکه است که در آنکه است که

فَسَوَّيْتَ وَقَدَّرْتَ وَقَضَيْتَ وَأَمَتَّ وَ

پسندید و در آنکه است که در آنکه است که در آنکه است که در آنکه است که

أَحْيَيْتَ وَأَمَرَضْتَ وَشَفَيْتَ وَعَافَيْتَ وَ

زنده کردی و در آنکه است که در آنکه است که در آنکه است که در آنکه است که

أَبْلَيْتَ وَعَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ وَعَلَى الْمَلِكِ

نفت دادی و در آنکه است که در آنکه است که در آنکه است که در آنکه است که

اَحْوَبَ اَدْعَاكَ دُعَاءَ مَرَضَعَتٍ وَسِبْلَةٍ

احاطه کند بموافقت با بچه ها مانند خواندن کسی که نوزاد شده باشد و سبیل او

وَانْقَطَعَتْ حِيلُهُ وَاَقْرَبَ اَجَلُهُ وَتَدَانِي

در پاره شدن حیل او و نزدیک شدن اجل او و نزدیک شدن او

فِي الدُّنْيَا اَمَلُهُ وَاَشَدَّتْ اِلَى رَحْمَتِكَ

در دنیا امید او و سخت شد برای رحمت تو

فَاَقْتَرَتْهُ وَعَظُمَتْ لِقَفْرِ بَطْنِهِ حَسْرَتُهُ وَكَثُرَتْ

انقباض او و بزرگ شد از برای صدر که گشتن و حسرت او و بسیار شد

زَلَّتْهُ وَعَثْرَتُهُ وَخَلَصَتْ لَوَجْهِكَ تَوْبَتُهُ

فرستاد او و گناه او و خالص شد از برای تو بابت او

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى اَهْلِ

بسم و بر محمد و بر اهل او

در پیشگاه

بَيْتِهِ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِينَ وَارْزُقْنِي شِفَاعَةَ

خانه های پاک و پاکیزه و روزگاری که از کائنات جدا شود و شفاعت

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا تَحْرِمْ مَنِيَّ

محمد صلی الله علیه و آله و از من منی را

اِنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اَللَّهُمَّ اقْضِ لِي

ایستغاثه منی را که من از تو میگویم ای خداوند بخشنده و مهربان

فِي الْاَرْبَعَاءِ اَرْبَعًا اجْعَلْ قُوَّتِي فِي

در چهار چیز چهار چیز را بکن که قوت در آنها مرا

طَاعَتِكَ وَنَشَاطِي فِي عِبَادَتِكَ وَرَغْبَتِي

طاعت خود را در عبادت تو و رغبت من

فِي ثَوَابِكَ وَزُهْدِي فِي مَا يُوْجِبُ لِي

در ثواب تو و در فقر من در آنچه موجب برای

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

اَلْبِسْمِ عِقَابِكَ اِنَّكَ لَطِيفُ مَا تَشَاءُ

بدانکه عذاب از بدست کون لطیف اندازد آنچه بخواهد

وَمِنْ رَحْمَةِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ

در روز رحمت و دعای استغفرت است بر او باد در روز پنجشنبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم نام بسم بسم بسم بسم بسم بسم بسم بسم

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اَذْهَبَ اللَّيْلَ مُظْلِمًا بِقُدْرَتِهِ

الحمد لله الذي اذهب الليل مظلمًا بقدرته

وَجَاءَ بِالنَّهَارِ مُبْصِرًا بِرَحْمَتِهِ وَكَرَّامِي

و جاء بالنهار مبصرًا برحمته و کرامی

ضِيَاءَهُ وَاَنَا فِي نِعَتِهِ وَكَأَيْسَرُ الْيَقِيْنِ

در شرفی او و انا فی نعت او و کسری یقین

الغنی

لَهُ فَاَبْقِنِي لِمِثَالِهِ وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ

له فابقنی لامثال او و صل علی نبی

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ وَفِي غَيْرِهِ مِنْ

محمد و آل او و لا تجعنی فی او و فی غیر او

اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ بِأَرْتِكَ كِتَابَ الْحَارِمِ

اللیالی و الايام با رتک کتاب الحارم

وَاصْطَبِ الْمَآثِمِ وَارْزُقْنِي خَيْرَ خَيْرٍ

و اصطب الماثم و ارزقنی خیر خیر

مَا فِيهِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ

ما فی او و خیر ما بعد او و اصرف عنی شر او

وَشَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي

و شر ما فی او و شر ما بعد او اللهم انی

بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَوْ سَلَّ إِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ

پایمان بران و عهد اسلام بر سر من و بر حرمت

الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ وَبِمُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى

قرآن و محمد و عقیقت اکرام بر تو و بنیاب پیغمبر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَإِلَهُ اسْتَشْفِعُ لَدَيْكَ هـ

صلوات الله بر تو و اله استشفع در نزد تو

فَاعْرِفِ اللَّهُمَّ ذِمَّتِي إِلَهِي رَجَوْتُ بِهَا قَضَاءَ

پس بشناسان ای الله عهد من را که امید داشته ام بپای تو بر کردن

حَاجَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اقْضِ

حاجت من ای رحیم ترین رحیم کننده من خداوند

لِي فِي الْخَمِيرِ خَيْسًا لَا يَتَّسِعُ لَهَا إِلَّا كَرَمُكَ

برای من در خیمه خیس را که نتواند در آن گنجی جز کرمی

و لا یغنی

وَلَا يُطِيقُهَا إِلَّا نِعْمُكَ سَلَامَةٌ أَقْوَى بِهَا

و طاقت ندارد آنرا که نیست ای تو سعادتی قوی تر

عَلَى طَاعَتِكَ وَعِبَادَةٍ اسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءُ

بر طاعت تو و عبادت را که استحقاق بر آن دارد

مُثُوبَتِكَ وَسَعَةً فِي الْحَالِ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ

پاداش تو و وسعت در حال از روزی حلال

وَأَنْ تُوْمِنَنِي فِي مَوَاقِفِ الْخَوْفِ بِأَمْنِكَ وَ

و ای تو مرا را که در ایستگاههای خوف بترستی با امن خود

تَجْعَلَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْمُؤْمِ وَالْغُيُومِ فِي حَصْنِكَ

تو مرا را که از طواریق اطمینان و ابراهیم در حصن خود

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْهُ لِي شَافِعًا

صلوات بر محمد و آل محمد و او را شافع من کن

يَوْمَ الْقِيَمَةِ نَافِعًا إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

در روز قیامت سودمند و نافع باشی ای خداوند بخشنده و مهربانترین

وَمَرْدَعًا عَلَيْهِ التَّحِيَّةُ وَالشَّانِبُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ

و مردمانی که بر او تحیات و تبریکات در روز جمعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحیم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلُ قَبْلَ الْأَنْشَاءِ وَالْآخِرَاءِ

ستایش و تحمید برای خداوند اول پیش از آفرینش و آخر پس از

وَالْآخِرُ بَعْدَ فَنَاءِ الْأَشْيَاءِ الْعَلِيمِ الَّذِي

و آخر پس از فنا شدن اشیا دانای

لَا يَنْسِي مَرْدَكُهُ وَلا يَنْقُصُ شَعْرُهُ وَلا

فراموشی کننده کسی که او را کم کردن و نقصان کسی که او را کم کند و

يَحْيِي مَرْدَعًا وَلا يَقْطَعُ رَجَاءَ مَرْجَاهُ

زنده کننده کسی که او را بخزند و براندازد و امید را قطع نکند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ

ای خداوند من شاهد تو را کافیست

شَهِيدًا وَأَشْهَدُ جَمِيعَ مَلَائِكَتِكَ وَ

شاهد دارم و شاهد می دهم بر همه فرشتگان و

سُكَّانِ سَمَوَاتِكَ وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ وَ

ساکنان آسمانهای تو و حاملان عرش تو

مَنْ بَعَثْتَ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَنْشَأْتَ

همه کسانی که از پیغمبران و رسل خود برآوردی و

مُرَاصِنًا فَخَلِّفَكَ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ

مراقبان نهادی پس من شاهد هستم که تو

و کفایت میکند و کافیست

أَنْتَ اللَّهُ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَلَا عَدْلُ

تو ای خداوند ویکتا هستی و شریکی نداری و عدلی

لَكَ وَلَا خُلْفَ لِقَوْلِكَ وَلَا تَبْدِيلَ وَأَنْ

برای تو و خلیفی نیست برای حرف تو و تبدیلی و آن

مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ

محمد صلی الله علیه و آله را بنده و رسول خود

رَسُولُكَ آدَى مَا حَمَلْتَهُ إِلَى الْعِبَادِ وَهُدًى

رسول خود را آید آنچه را که حمل کردی به بندهگان و هدایت

فِي اللَّهِ خَوْفُ الْجَهَادِ وَأَنَّهُ بَشَرٌ مِمَّا هُوَ حَقٌّ مِنْ

در خداوند خوف جهاد و آنکه بشری است از آنکه حق است

الْثَوَابِ وَأَنْذَرِنَا هُوَ صِدْقٌ مِرَالِ عِقَابِ

از پاداش و اذرنما بود که حق است از عتاب

و از عتاب

اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ مَا أَحْبَبْتَنِي وَلَا

ای خداوند من را بر دین خود ثابت کن آنچه را که دوست داشتی

تُرْغِ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي

بهره ده قلبم بعد از آنکه مرا هدایت کردی و عطا کن

مِرَالِدُكَ رَحْمَةً أَنْتَ الْوَهَّابُ صَلِّ

بر خود رحمتی که تو بخشی و تو بخشنده و عطا کننده

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ شِيعَتِهِ

بر محمد و آل محمد و مرا از پیروان او و شیعیان او

وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِ وَوَفَّقْنِي لِذَلِكَ فَضْ

و مرا در جماعت او و مرا را در آن گروه و مرا را در آن

الْجُمُعَاتِ وَمَا أَوْجَبْتَ عَلَى تَمَعِهَا مِنْ

جماعت و آنچه را که بر من واجب کردی از آن

الطَّاعَاتِ وَقَمَّتْ لَاهِلُهَا مِنَ الْعَطَاءِ فِي

در جایگاه و قامت که اینها از عطا کردن و

يَوْمَ الْخِزْيَانِ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَزِيرُ الْحَكِيمُ

در روز قیامت بسته گوی از باری خدای غایب و حکیم

وَمِنْ غَايَةِ عَلَيْهِ أَكْمَلُ الْخِيَانَةِ الشَّيْءُ فِي يَوْمِ

و از جمله دعای آخرت است صدق الله علیه در باره روز نشسته

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم نام خداوند مهربان و بخشنده

بِسْمِ اللَّهِ كَلِمَةُ الْمُعْتَصِمِينَ وَمَقَالَةُ

بسم خدای کوه چک زنده گان و گفتگوی

الْمُتَحَرِّزِينَ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ تَعَالَى مِنْ جَوْرِ

پرهیز کنندگان و پناه میجویم بخدای ارجمند از جر و تنگ

الْجَائِرِينَ وَكَيدِ الْخَائِدِينَ وَبَغْيِ

شکستنیان و کید دزدان و بربادی

الظَّالِمِينَ وَآخِذُ فَوْقِ الْحَامِدِينَ بِاللَّهِمَّ

سخت گویان و در پیش بگیرم از بالای حمد و ستایش کنندگان یا خدایا

أَنْتَ الْوَاحِدُ بِلَا شَرِيكَ وَالْمَلِكُ بِلَا تَمْلِكُ

تو یگانه ای بیکان بدون شریک و پادشاه بدون دستیار

لَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ وَلَا تُنَازِعُ فِي مُلْكِكَ

تو متضاد نیستی در حکمت و دینت منازعه نیستی در پادشاهی

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ

سأل کنم از تو ای خداوند بر محمد و رسول خود

وَأَنْ تُوزِعَنِي مَرِشِبُ كَرَمِكَ مَا تَبْلُغُ

و ایستاده زنی ده مرا به شکر کرمی تا آنچه

بِي غَايَةِ رِضَاكَ وَأَنْ تُعِينَنِي عَلَى طَاعَتِكَ

مرا بنیت خوشتر از همه که بخواهم کنی مرا بر حق طاعت کنی

وَلَزُومِ عِبَادَتِكَ وَاسْتِحْقَافِ مُثُوبِكَ

و لازم شدن من به عبادت تو و مستحق شدن من از پاداش تو

بِلُطْفِ عَنَائِكَ وَتَرْحُمَتِي بِصِدْقِي مُعَاوِدِي

ببر لطف و عنایت تو و رحمت تو بر صفت من و معیاری

مَا أَحْبَبْتَنِي وَتُوفَّقَنِي لِمَا يُنْفَعُنِي مَا أَبْقَيْتَنِي

آنچه زلفه را از من و تو فرمودی که مرا به آنچه که من را نفع دهد و آنچه که مرا بقا دهد

وَأَنْ تَشْرَحَ بِكِتَابِكَ صَدْرِي وَ

و اینکه کتاب تو را بر دلم گشایی و

تَحْطُ بِتِلَاوَتِهِ وَزُرِّي وَتُمْخِي السَّلَامَةَ

فرز من را به تلاوت او و مرا را به سلامت بماند

فی ذلک

فِي دِينِي وَنَفْسِي وَلَا تُوحِشْ بِي أَهْلِي

در دین من و نفس من و مرا را از آزار خویشاوندان من

أَنْفِي وَتُنِمَّ إِحْسَانُكَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي

از من و تو را در احسان تو در آنچه از عمر من باقی است

كَمَا أَحْسَنْتَ فِيمَا مَضَى مِنْهُ يَا أَرْحَمَ

همانگونه که احسان کردی در آنچه از من گذشته است ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْفِهِ مُحَمَّدٍ وَ

رحمکنده را و خداوند بر بهترین خلف او محمد و

إِلِهِ أَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصِينَ

از خداوندان پاک و طاهر و معصومین را

هَذِهِ دُعَاؤُ الْعَبْدِ بِلِقَائِهَا الْعَلِيِّ

این دعا است از بنده برای دیدن او

بِزِيَارَتِهِ وَتَرْحُمَتِهِ بِصِدْقِي مُعَاوِدِي

و رحمت تو بر صفت من و معیاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ

وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ

الْإِسْلَامُ وَأَنَا الْبَدِيعُ الضَّعِيفُ الْمَذْنِبُ

الْعَاصِي الْفَقِيرُ الْحَقِيرُ الْحَاجُّ أَشْهَدُ

بِأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ

وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ

الْإِسْلَامُ وَأَنَا الْبَدِيعُ الضَّعِيفُ الْمَذْنِبُ

الْعَاصِي الْفَقِيرُ الْحَقِيرُ الْحَاجُّ أَشْهَدُ

بِأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ

وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ

لِنُعْصِي وَخَالِقِي وَرَازِقِي وَمُكْرِمِي

وَأَعِزِّي وَكَافِرِي وَكَافِرِي وَكَافِرِي

كَأَشْهَدُ لِدَايَةِ وَشَهِدَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَ

أُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ

الْإِسْلَامُ وَأَنَا الْبَدِيعُ الضَّعِيفُ الْمَذْنِبُ

الْعَاصِي الْفَقِيرُ الْحَقِيرُ الْحَاجُّ أَشْهَدُ

بِأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ

وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ

الْإِسْلَامُ وَأَنَا الْبَدِيعُ الضَّعِيفُ الْمَذْنِبُ

الْعَاصِي الْفَقِيرُ الْحَقِيرُ الْحَاجُّ أَشْهَدُ

بِأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ

وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ

لنؤمن بالله

كَارِهِ مُدْرِكٌ صَمَدِي يُسْتَحَقُّ هَذِهِ

بیشتر از همه است که کند نیست بنیاد است سرور است این

الصِّفَاتُ وَهُوَ عَلَى مَا هُوَ عَلَيْهِ فِي عِزِّهِ

صفات و در نیات داد بر آنچه او است بر او در عیبه کن

صِفَاتِهِ وَكَانَ قَوَّامًا قَبْلَ وُجُودِ الْفُقُورِ

صفات حق و بهر است در آن پیش از وجود آمدن وقت

وَالْقُدْرَةُ وَكَانَ عَلِيمًا قَبْلَ الْإِجَادِ

و قدرت و بهر است داننده پیش از آفرین

الْعِلْمِ وَالْعِلَّةُ لَمْ يَزَلْ سُبْحَانَا عَلَى جَمِيعِ

علم و علت نماند هیچ غیبت خدا بر همه

الْأَحْوَالِ وَجُودُهُ قَبْلَ الْقَبْلِ فِي أَزَلِ

احوال است ذات معشوق پیش از پیش است در ازل

سُبْحَانَا اِذَا مَلَكَ تَلَا مَا لَا نَرَى

الازل

الْأَزَالِ وَبَقَاؤُهُ بَعْدَ الْبَعْدِ مِنْ غَيْرِ

ازمان و باقی بماند او بعد از بعد است بدون

إِنْتِقَالٍ وَلَا زَوَالٍ غِنًى فِي الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ

انتقال و زایل نشود غنی است در اول و آخر

مُسْتَعْنٍ فِي الْبَاطِلِ وَالظَّالِمِ لَا جُورَ فِيهِ

مستعان است در باطل و ظالم نیست در او جورستی

قَضِيَّتِهِ وَلَا يَمِيلُ فِي مَشِيئِهِ وَلَا ظُلْمَ فِيهِ

مسکون است و بهر است در حق او در اراده او و در جورستی او

تَقْدِيرِهِ وَلَا مَهْرَبَ مِنْ حُجُومَتِهِ وَلَا

از او داد و بهر است که در کار او از حرکت باطل است او در

مَلَجًا مِنْ سَطْوَاتِهِ وَلَا مَنَجًا مِنْ نِقْمَاتِهِ سَبَقَتْ

پناه گاه از غضب و خشای او و از غلبه او و از پند او و از پند او

رَحْمَتُهُ غَضَبُهُ وَلَا يَفُوتُهُ أَحَدٌ إِذَا طَلَبَهُ

رحمت او غضب او در حق نرسد و نمیکند که با کسی چون طلب کند او را

أَزَاخِ الْعِلَلِ فِي التَّكْلِيفِ وَسَوَى

از اذخار علل در میان تکلیف و بهمان است

التَّوْفِيقَ بَيْنَ الضَّعِيفِ وَالشَّرِيفِ مَكْنُ

توفیق در میان ناتوان و عزیز را

أَدَاءُ الْمَأْمُورِ وَسَهْلُ سَبِيلِ اجْتِنَابِ

ادایه امر و آسان کردن راه اجتناب

الْمَحْظُورِ لَمْ يُكَلِّفْ الطَّاعَةَ الْإِيقْدَ

محظور را نیکلف اطاعت را بیکلف

الْوُسْعِ وَالطَّافَةِ سُبْحَانَهُ مَا أَبْنَى كَرَمَهُ

وسعت و طافت سبوحانه ما آید بزرگواری او

والتَّوْفِيقَ

وَأَعْلَى شَانِهِ سُبْحَانَهُ مَا أَجَلَّ نَبْلَهُ وَ

بزرگواری او در مرتبه است او چه بزرگ است بزرگواری او

أَعْظَمَ إِحْسَانِهِ بَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ لِيُسَبِّحَ طَوْلَهُ

بزرگ است احسان او بفرستادن انبیا را تا تسبیح کنند طوالت او را

وَنَصَبَ الْأَوْصِيَاءَ لِيُظَهِّرَ عَدْلَهُ وَفَضْلَهُ

و در پاره نهادن اوصیا را تا بآید عدالت او و فضیلت او را

وَجَعَلْنَا مِنْ أُمَّةٍ سَيِّدًا الْأَنْبِيَاءَ وَخَيْرِ

و گردانیدیم از امتی سید انبیا را و بهترین

الْأَوْلِيَاءِ وَأَفْضَلَ الْأَصْفِيَاءِ وَأَعْلَى

اولیا را و افضل اصفیا را و بزرگواری

الْأَزْكِيَاءِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ

پاکان را که جناب پیغمبر محمد مصطفی صلوات الله

عَلَيْهِ وَالْإِلَهَ وَسَلَّمَ أَمْتَابِهِ وَبِمَادَعَانَا

مسلم علیه و آله و سلم و حضرت امیر المؤمنین علی و برادر او

إِلَيْهِ وَبِالْقُرْآنِ الَّذِي أَنْزَلَهُ عَلَيْهِ وَبِوَصِيَّتِهِ

بسی او و کتاب قرآن که فروخته شدی او برادر و وصیتش

الَّذِي نَصَبَهُ يَوْمَ الْغَدِيرِ وَأَشَارَ بِقَوْلِهِ

چنان می که بر پا کرد او در روز غدیر و اشاره کرد بکلام او

هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي وَاشْهَدَانِ الْأَمَّةَ الْأَبْرَارَ

این جناب علی بن ابی طالب را که بر سر همه پادشاهان و بزرگان

وَالْخُلَفَاءَ الْأَخْيَارَ بَعْدَ الرَّسُولِ الْمُخْتَارِ

و جانشینان و بزرگان پس از رسول مختار

عَلَيْهِ قَامِعُ الْكَفَّارِ وَمِنْ بَعْدِهِ سَيِّدُ

جناب علی بن ابی طالب است که از بین ببرد کفار و در میان

أَوْلَادِهِ الْحَسَنِ ابْنِ عَلِيٍّ ثُمَّ أَخُوهُ السَّبْطُ

فرزندان او جناب امام حسن فرزند جناب امیر المؤمنین برادر او

التَّابِعُ لِمَرْضَاتِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ ثُمَّ الْعَابِدُ

که بر سر است پیروی از رضایت خدا جناب امام حسین برادر آن جناب امام

عَلَيْهِ ثُمَّ الْبَاقُ مُحَمَّدٌ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ

بن علی العابدین برادر او جناب امام محمد باقر برادر جناب امام جعفر صادق

ثُمَّ الْكَافِرُ مُوسَى ثُمَّ الرِّضَا عَلِيُّ ثُمَّ

برادر آن جناب امام موسی کاظم برادر آن جناب امام رضا برادر آن

التَّقِيُّ مُحَمَّدٌ ثُمَّ التَّقِيُّ عَلِيُّ ثُمَّ الرَّبَّاعِيُّ

جناب امام محمد تقی برادر آن جناب امام علی نقی برادر آن جناب امام ربیع

الْعَبَّاسِيُّ مُحَمَّدٌ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُجَّةُ الْخَلْفُ

حسن عسکری برادر جناب امام حسن عسکری جناب امام حجة الامر

الصَّالِحُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَرْجَى الَّذِي

که بگوید که است در سبب است و منتظر است و امید داشته شده است که

يَبْقَاهُ بَقِيَّةُ الدُّنْيَا وَبِمَنْهَ رِزْقِ

بسیار دارد باقیست دنیا و بوسیله است از رزق و روزی

الْوَرَى وَبِوُجُودِهِ ثَبَّتَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ

منتهای است و بوسیله وجودش بر زمین و آسمان

بِهِ يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ

بوسیله آن پر میکند خدا زمین را عدل و انصاف بعد از

مَا مِلَّتْ ظُلُمًا وَجَوْرًا وَأَشْهَدُ أَنْ أَقُولَهُمُ

آنچه پر شده با تاریکی و جور و گواهی میدهم که بگویم که

حُجَّةً وَأَمَّا هَلَمْ فَرِضِيَّةٌ وَطَاعَتُهُمْ

و حجت است و اما هلم فریضه است و طاعت آنهاست

و الله اعلم

وَمَوَدَّتْهُمْ لَا زِمَةَ مَقْضِيَّةً وَلَا اقْتِدَاءً

و دوستی است و مودت است و هیچگونه مقضیه است و اقتداء

بِهِمْ مُنْجِيَّةٌ وَمُخَالِفَتُهُمْ مُرْدِيَّةٌ وَهُمْ

با آنهاست نجات دهنده است و مخالفت آنهاست مردن دهنده است و آنهاست

سَادَاتُ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ وَشَفَعَاءُ

آقایان است اهل بهشت است و شفاعت کننده است

يَوْمَ الدِّينِ وَأَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ

در روز قیامت است و بهترین است از وصیای مورد رضایت است

وَأَمَّةٌ أَهْلِ الْأَرْضِ عَلَى الْبَقِيَّةِ كَمُكْرٍ

و امتی است اهل زمین است بر بقیه است و مکر است

أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَمَسْئَلَةٌ مِنْكَ كَرِوَنَكِرٍ

آنکه مرگ است حقیقت است و مسأله است از تو است که گویا

فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَالْبَعْثُ حَقٌّ وَالنَّشُورُ

در این قبر است در کجمن در قیامت است در حشر و نشر

حَقٌّ وَالْإِصْرُ أَطْحَقُّ وَالْمِيزَانُ حَقٌّ وَالْحِجَابُ

است و بر سر او است است و در هر حال است است و در پند

حَقٌّ وَالْكِتَابُ حَقٌّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ

است است و در هر حال است است و در هر حال است است

وَالنَّارُ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا

در جهنم است است و در هر حال است است و در هر حال است است

رَبِّ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ

است و در هر حال است است و در هر حال است است و در هر حال است است

اللَّهُمَّ فَضْلَكَ رَجَائِي وَكَرَمَكَ

یا خداوند فضل تو را امید من است و کرم بنیابت تو

اللهم

وَرَحْمَتُكَ عَفْوُكَ أَمَلِي لَا أَعْمَلُ إِلَّا بِحَقِّ

در رحمت بنیافتن تو و در عفو تو امید من است است و در هر حال است است

بِهِ الْجَنَّةُ وَلَا طَاعَةَ لِي أَسْتَوْجِبُ بِهَا

بسیار است و در هر حال است است و در هر حال است است و در هر حال است است

الرِّضْوَانِ إِلَّا أَنِّي اعْتَمَدْتُ عَدْلَكَ

در هر حال است است و در هر حال است است و در هر حال است است و در هر حال است است

وَتَوْحِيدَكَ وَارْتَجَيْتُ إِحْسَانَكَ وَفَضْلَكَ

و توحید تو را و در هر حال است است و در هر حال است است و در هر حال است است

وَتَشَفَّعْتُ إِلَيْكَ بِالنَّبِيِّ وَأَوْصِيَاءِهِ

و تشفع کردم به پیغمبر و در هر حال است است و در هر حال است است و در هر حال است است

مِنْ أَجَلَتِكَ وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ

از اجلت تو و تو از کرامت کرامتین

وَأَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى نَبِيِّنَا

در جسم کشته ترین رجحان الله و خستاد خدا را پیغمبر ما

مُحَمَّدٌ وَالِهُ أَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

کے دروازے اور کچے اینٹ پاکی کر کے

وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا كَثِيرًا بِرَحْمَتِكَ

درست فرستاد خوار رحمت فرستاد و آن بنام فرزند آن صدم کن ما بر رحمت خود

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُكَ

ی جیترن جسم کنیون بارانک بدستیکون بدواعت سپردم تا

يَقِينِي هَذَا وَثَبَاتِ دِينِي وَأَنْتَ خَيْرُ

میتن خود این را ثابت بکن این خود را در تپه بهترین

سُودِعَ وَقَدْ آمَرْنَا بِحِفْظِ الْوَدَائِعِ

است در آن تحقیق فرضه بکه در شستن در میان پس از آنکه

عبدی بنعمہ

عَلَى فِي الْقَبْرِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ

این دیگه هم قرآن است ای جبرین هم گفته کن و در هر ستاره

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْأُمَّةِ الْعَصُومِينَ أَجْمَعِينَ

بر محمد دوسر زلفان او در امان گویند داشته شده است در کتب چک این

تعیناً محضاً فی ارضه بنا الحصین

مفتیہ کھلوات الزکات معاصر الصالح اخذہ جمعہ صبح ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۸۵ھ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

اعِزْ نَفْسَهُ وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَ

سپاه مجروح قزوین در دماغه خان من دبا من دمنه زان من د

اُخْوَانِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي وَجَمِيعَ مَنْ بَعْدَ

در روز یکشنبه در دهکده کهنه

[illegible]

أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا

الضَّالِّينَ عَلَيْهِمْ بِرَبِّكَ إِنَّكَ بِرَبِّكَ لَشَدِيدٌ

الضَّالِّينَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

الَّذِي لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ

إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ

وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ

وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا

يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

إِكْرَاهٍ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ

مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ

بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى

وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا

يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

إِكْرَاهٍ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ

مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ

بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى

وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ

وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا

يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

إِكْرَاهٍ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ

مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ

بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى

وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ

تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ

خواب و عزت یہ ہے کہ خداوند بیکرہانی ہرگز خواب

بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بیت خدمت در کربلا چه بکنم تو در برسم جزئی

تُوجِجُ اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ وَتُوجِجُ النَّهَارُ

در آستانه شب ۴ در روز سه شنبه ۱۳۳۱

فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ

در شب و در روز مراد و در زمانه از همه و در وقت مراد

أَلَيْتَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ وَتَرْزُقُ مَرْثِيَاءَ بَعْضِهِ

محمده نازنا در روز شنبه ۶ دی ۱۲۸۴ خورشیدی

حِسَابِ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ

ص ب بد سینه پرموگارش صحت استخوانیکه افزیه

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ

استخوانی در زمین و در عرض شش روز بهشت

اَسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلُ النَّهَارَ

حضرت باقر بن محمد عیسی بن ابی طالب علیه السلام

يَطْلُبُهُ حَشِيًّا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالْجُومُ

بسم الله الرحمن الرحيم

مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِ الْإِلَهِ أَنْخَلِقُ وَالْأَمْرُ لِلَّهِ

در سفر شده از بصره به آمل و از آمل به اصفهان و در آنجا درگذشت

رَبُّ الْعَالَمِينَ لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ

که برینکار جان است سبزه خسته یان انشروغ

وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ

ایمان بهشت عنبر بهشت ایمان بهشت مشک آمیز

هُمُ الْفَائِزُونَ لَوَانَزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ

ایشانند / مسکندان / اگر در بعضی است / این کتاب / قرآن

عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِّنْ

بر کوه / بر آن کوه / بر آن کوه / بر آن کوه / بر آن کوه

خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبُهَا

ترس خدا / در این داستانها / مثل میزنم آنها

لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يُفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي

از برای مردم است / بگویند / اوست خدا / آنکه

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ غَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

نیست خدا / غایب / در غیبها / در شهادت

هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

اوست خدا / رحیم / اوست خدا / اوست خدا / اوست خدا

هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ

بغیر از آن / پادشاه / بسیار بسیار پاک است / از هر چه / از هر چه / از هر چه

الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ

کبریا / از هر چه / عزت / بجا است / بزرگ / عزت

اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ

خدا / از آنچه / شریک / خدایانند / اوست خدا / اوست خدا

الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

آفریننده / صورت بخش / نامهای / بهترین

يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

سبح / در آسمانها / در زمینها / اوست خدا / اوست خدا

أَنبِئْ عَنِ ابْنِ مَرْيَمَ إِذِ انبَسَّ عَلَى هَيْكَلِهِ

گو بگو / بنوعی / در آن / در آن / در آن / در آن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابتدا بگویم بسم خدای بخشنده و مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنِي نَفْسِي وَكَلَّمَكَ بَنِي

حرفتش را و مرا را که شناسانم مرا نفس خودم و ده گفتار من را

عُمَيَّانَ الْقَلْبِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي

یکبار هر دو سینه را که در سینه من است که کلام من را

مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

از امتی خاتم الانبیا محمد مصطفی و آل او را

وَلَمْ يَجْعَلْنِي مِنْ سَائِرِ الْأُمَمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ

و نگذاشت مرا از بقیه امتها حمد و ستایش را

الَّذِي سَرَّ ذُنُوبِي وَلَمْ يَفْضَحْ بَيْنَ

آنکه که پند کرد از گناه من و نگذاشت در میان

الْخَلَاءِ تَوَاحُدُ اللَّهِ الَّذِي جَعَلَ رِزْقِي فِي

مخلوقات است و توحید خداوندی که کلام من را در روزگار

يَدَيْهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي رِزْقِي فِي أَيْدِي النَّاسِ

دستهای خود و نگذاشت مرا را در دست مردم

خَتَمْتُ أَمْرَهُ إِذْ غِيَّبَ عَنْكَ كِتَابُكَ يَا رَبِّ

که بستم امر او را چون پنهان کردی کتاب خود را ای پروردگار

نَمَّتْهُ الْعَبْدُ الْفَقِيرُ الْحَقِيرُ الْخَجِي

فرا رفت او را بنده فقیر و حقیر و خجسته

عَلَيَّ أَكْبَرُ خَاوِرٌ رُزْمِي الْمَدْعُو

بر من بزرگوار تر است خوار و رزمی من مدعو

بِذَا الصَّفَاءِ خَوْيٌ غَفَرَ اللَّهُ لَوَالِدَيْهِ

در روز صفای من خوار شد و خداوند بخشت گناه پدر و مادر مرا

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله التورينم الله نور التورينم الله نور على نورينم الله الذي هو ما بين الامورينم الله

الذي خلق التورينم التور الحمد لله الذي خلق التورينم التور وانزل التور على التورينم

متورينم متورينم متورينم على نبي محمدا الحمد لله الذي هو بالعلم المذكورينم

مشهور على السراء والفرام مشكورينم على الله على سيدنا محمد وآله الطاهرينم

هذا هو التورينم التور الحمد لله الذي خلق التورينم التور وانزل التور على التورينم
الذي خلق التورينم التور الحمد لله الذي خلق التورينم التور وانزل التور على التورينم
الذي خلق التورينم التور الحمد لله الذي خلق التورينم التور وانزل التور على التورينم
الذي خلق التورينم التور الحمد لله الذي خلق التورينم التور وانزل التور على التورينم

احمد الى
مكتبة باغنه مجلس شوراي ملي

